

توسعه راهکارهای جامعه شناختی رفع موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان

محسن علایی بوسجین^۱

چکیده

ازدواج یک پدیده ی عمومی و اجتماعی است که همزاد بشر عمر دارد. موضوع ازدواج و تشکیل خانواده از جمله مسائلی است که مورد بحث ادیان و مذاهب، فلاسفه، جامعه شناسان، روانشناسان، علمای تعلیم و تربیت، شعرا و نویسندگان و هنرمندان قرار گرفته است. با توجه به این امر مهم، هدف پژوهش حاضر، بررسی موانع و مشکلات ازدواج جوانان ارائه راهکار می باشد، از آنجا که جوانان امروزه برای ازدواج با موانع و مشکلات فراوانی روبرو هستند، این مطالعه درصدد شناسایی و بررسی موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر سر راه ازدواج جوانان برآمده است. این پژوهش پیمایشی در شهر اردبیل بوده و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه می باشد. جامعه آماری آن جوانان مستعد ازدواج می باشد که به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد موانع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در به تأخیر افتادن سن جوانان از دیدگاه پاسخگویان مؤثر بوده است. بدین معنی که با افزایش این موانع و مؤلفه های آن، سن جوانان نیز برای ازدواج افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: ازدواج، موانع فرهنگی، موانع اقتصادی، موانع اجتماعی، جوانان.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (Email: m.alaei@pnu.ac.ir)

مقدمه

خانواده به عنوان مهمترین و کوچکترین نهاد اجتماعی محسوب می شود، از این رو به عنوان زیربنای جامعه و تنها نظام اجتماعی شناخته می شود که بطور رسمی در همه جوامع پذیرفته شده و تشکیل دهنده شاخصه یک جامعه می باشد. این موضوع به این دلیل مهم تلقی می شود که جامعه از خانواده ها شکل گرفته است. از این رو سرنوشت جامعه با سرنوشت خانواده پیوند خورده است. مطالعه در مکاتب و متون دینی نیز نشان می دهد که ازدواج و تشکیل خانواده نه فقط با دین و ایمان منافاتی ندارد، بلکه در مکتب اسلام ازدواج و تشکیل خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۲). دورکیم که یکی از صاحب نظران فرانسوی است عقیده دارد که خانواده بیش از آنکه پدیده ای زیستی و طبیعی باشد، پدیده ای اجتماعی است و مطالعه آن در حیطه جامعه شناسی قرار می گیرد. دورکیم، مورگان و کلود لوی اشتراوس به اجتماعی بودن زوجیت تاکید داشتند، تأثیر جامعه بر خانواده و ازدواج را مد نظر داشتند (ریترز، ۱۳۷۵: ۳۴۵). به گفته مالینوفسکی (۱۳۵۵) "خانواده ماده خام ارگانیک تازه را شکل می دهد و آن را به صورت عضو کامل در قبیله و شهر در می آورد" (میشل، ۱۳۵۴: ۷۵). ازدواج سنگ بنای خانواده است و از آنجا که جامعه از مجموعه خانواده ها تشکیل می شود، نحوه پایه گذاری و تدابیر و اندیشه هایی که در امر ازدواج صورت می پذیرد، در رشد و تعالی و انحطاط و انحراف جامعه تأثیر بسزایی دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰). ازدواج، به عنوان یکی از طبیعی ترین نیازها و مراحل زندگی انسان، در جامعه ما با دشواری های فراوان مواجه شده است. ریشه یابی بسیاری از دشواری ها و موانع ازدواج ما را به ذهنیات و پیش فرض های فرهنگ جاری در جامعه می رساند و اگر بخواهیم تمام مشکلات را به گردن دشواری های اقتصادی ببینیم، ممکن است از عوامل بنیادی تر فرهنگی و اجتماعی غافل بمانیم. در سالهای اخیر پدیده ازدواج که منشاء وقوع ولادت و باروری و به عنوان عامل بسیار موثر بر ساخت سنی و جنسی، جمعیت و افزایش آن محسوب میشود، در کشور دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. از دیاد جمعیت دختر و پسر واقع در مدار ازدواج که بیش از ۳/۱ درصد جمعیت کشور را تشکیل داده اند و حاصل افزایش شدید موالیده دهه ۶۰ می باشند از یک سو و از سوی دیگر بازتاب تحولات واقع شده در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نظیر افزایش شهرنشینی و باسوادی و به ویژه تحصیلات زنان و تمایل به کسب درآمد و شغل مناسب در قبل از ازدواج که از نشانه های حرکت جامعه به سوی مدرنیته شدن می باشد. افزایش سن ازدواج در کشور برای دولت مردان و جامعه محققین نگران کننده گردیده است (کاظمی پور، ۱۳۸۴: ۱۰۷). نوسانات سن ازدواج برای جامعه شناسان و جمعیت شناسان و مورخان که به مطالعه تغییرات آن می پردازند پدیده ای ارزشمند است آنان بین تغییرات در این عامل و تحولات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و دیگر موارد نوعی همبستگی مشاهده کرده اند. با آمدن تکنولوژی های جدید و ماهواره و اینترنت ارتباط با دنیای اطراف وسیعتر شده است و فرهنگ های پیشین را تحت تاثیر قرار داده است. چنانچه با افزایش تحصیلات و مهارت ها هر چه بیشتر با افزایش سن ازدواج رو به رومی شویم سن ازدواج توسط ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ وارد حوزه قانون مدنی ایران شد. در این قانون حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تعیین شده است. سن ازدواج تا اواسط قرن بیستم هم چنان پایین بود. در سال ۱۳۴۵ طبق آمار ۴۷٪ زنان ۱۵ تا ۱۹ ساله ازدواج کرده بودند که در سال ۱۳۵۵ این رقم به ۳۴٪ کاهش یافت. به گفته محمد اسماعیل مطلق مدیر کل دفتر سلامت جمعیت از دهه ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۰ شاهد افزایش سن ازدواج هستیم (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۱۱۰). با توجه به تغییراتی هم چون افزایش سن در اولین ازدواج و تغییر شکل گیری خانواده، می توان اذعان داشت که تغییر در امر ازدواج ایجاد گردیده است. سوالی که مطرح می شود این است که چه عواملی باعث تغییر در امر ازدواج گردیده است؟ برخی از مطالعات به علل و عوامل اقتصادی هم چون بیکاری، نداشتن شغل مناسب، مسکن، تهیه وسایل زندگی، مهریه سنگین، هزینه های سنگین عقد و عروسی و فقر خانوادگی (نوبل و باتنهم ۲۰۰۶؛ پولاک ۲۰۰۵؛ ضرابی و مصطفوی ۱۳۹۰؛ صادقی و همکاران ۱۳۸۶) اشاره داشته و برخی دیگر به عوامل اجتماعی هم چون تحصیلات، گرایش به فردگرایی، شهرنشینی، مسئولیت گریزی، ترس از خیانت همسر، روابط آزاد دختر و پسر، شکل گیری اشکال جدیدی از ازدواج (پنگ ۲۰۰۶؛ جنسن و تورنتون ۲۰۰۳؛ خلج آبادی فراهانی و مهریار

۱۳۸۹)، و دسته ای دیگر نیز متغیرهای فرهنگی را در امر ازدواج موثر دانسته اند (عباسی شوازی و ترابی ۱۳۸۵؛ عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴؛ کاظمی پور، ۱۳۸۸). از طرفی ساختار سنی جمعیت کشور ما به سمت پیر شدن می رود طوریکه نسبت جوانی جمعیت از ۴۴/۲۹ در سال ۷۰ به ۲۳/۴ در سال ۹۰ رسیده است. از این رو این شرایط زنگ خطری است که توسط کارشناسان و مسئولین نیز هشدار داده شده است. لذا یکی از سیاست های کلان کشور در شرایط فعلی افزایش جمعیت می باشد. با نظر به اینکه مشکلات و موانع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ازدواج گریبانگیر جوانان شهر اردبیل نیز شده است.

بنابراین بررسی و مطالعه به موقع، علمی و همه جانبه ازدواج، و شناخت موانع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، اولین گام در جهت آسیب زدایی و بهبود وضعیت موجود است. در مجموع می توان اهداف زیر را در انجام این طرح پیش چشم داشت:

۱. بررسی موانع اجتماعی مؤثر در تأخیر سن جوانان و ارائه راهکار
۲. بررسی موانع اقتصادی مؤثر در تأخیر سن جوانان و ارائه راهکار
۳. بررسی موانع فرهنگی مؤثر در تأخیر سن جوانان و ارائه راهکار

مفاهیم نظری

تأخیر در سن ازدواج: تأخیر در سن ازدواج عبارت است از میزان عقب افتادن سن مطلوب ازدواج جوانان در جامعه. میزان تأخیر در سن ازدواج بر حسب متغیر کمی "سال" یا متغیرهای کیفی "کم، متوسط، زیاد" قابل بررسی و محاسبه است (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷: ۱۲). موانع اجتماعی و مؤلفه های آن: موانع اجتماعی ازدواج جوانان از تعدادی مقوله که امر ازدواج را به تأخیر می اندازد یا موجب وسواس جوانان در امر ازدواج شده است می پردازیم. شیوع بی اعتماد در بین جوانان، عدم وجود آمادگی و تجربه در میان جوانان، عدم مهارت ارتباطی و آشنایی بین در جوانان، نبود آموزش و نا آگاهی جوانان از ازدواج، گریز از مسئولیت، آزادی روابط دختر و پسر در جامعه، روابط قبل از ازدواج دختر و پسر، نرسیدن جوانان به بلوغ های چندگانه جنسی، فکری، روانی، اجتماعی، گسترش فساد و انحرافات جنسی و روابط نامشروع، پیدایش یأس و ناامیدی در جامعه، ترس از شکست، گذراندن بیشتر اوقات با دوستان، تأکید بر استقلال در بین جوانان.

موانع فرهنگی و مؤلفه های آن: از جمله مؤلفه های فرهنگی، رواج فرهنگ ها، باورها و اعتقادات غلط در بین خانواده ها، تبلیغات صدا و سیما بعضاً مخالف روش ازدواج است. مثلاً نمایش رابطه عاشقانه قبل از ازدواج، اشتغال به تحصیل، مخالفت والدین با امر ازدواج، ازدواج ناموفق والدین یا یکی از اعضای خانواده، توقعات بیجا از همسر آینده، ازدواج نکردن خواهر و برادر بزرگتر، مشکل پسندی جوانان، عدم همراهی پدر و مادر، تغییر دید خانواده ها در ازدواج جوانان که سعی در امتیازگیری از طرف مقابل دارند، می توان اشاره کرد.

موانع اقتصادی و مؤلفه های آن: مؤلفه های عوامل اقتصادی در این تحقیق به بیکاری جوانان، تهیه مسکن، عدم استقلال مالی جوانان، تأمین جهیزیه، وجود هزینه های سنگین ازدواج، وجود مهریه های سنگین، اشاره شده است.

پیشینه پژوهشی

موسی طیبی نیا در پژوهشی با عنوان میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن، به بررسی این موانع در استان همدان پرداخته است. طبق یافته های او مهمترین موانع در آن بر حسب الویت عبارتند از: موانع فرهنگی با میانگین رتبه ای (۴/۹۴)، موانع اجتماعی با میانگین رتبه ای (۳/۶۰)، موانع اقتصادی با میانگین رتبه ای (۲/۲۳)، موانع حاکمیتی با میانگین رتبه ای (۲/۲۰)، و موانع فردی با میانگین رتبه ای (۲/۰۲). از نظر پاسخگویان زن میانگین سن مطلوب ازدواج ۲۴/۱۹ و از نظر پاسخگویان مرد ۲۶/۶۳ می باشد. از نظر جوانان مرد و زن مهمترین ملاک انتخاب همسر، تفاهم اخلاقی با همسر می باشد. کم اهمیت ترین ملاک انتخاب همسر نیز می توان تحصیلات همسر و تفاوت سنی مناسب با همسر می باشد. در زمینه تمایل جوانان به ازدواج نمره میانگین تمایل به ازدواج (۷۷/۸) از آنان بالاتر از نمره میانگین مقیاس می باشد. از این رو اکثریت جوانان مورد بررسی در این پژوهش تمایل به ازدواج دارند. البته زنان

بیشتر از مردان تمایل دارند (طیبی نیا، ۶۳-۸۶:۹۳). در مطالعه ای دیگر از سیف و عارف، با عنوان آسیب شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی به شناسایی و بررسی مهمترین عوامل فردی خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که عواملی مانند، نداشتن شغل، مشکل مالی و ترس از آینده، نداشتن مسکن و بالا بودن اجاره بهاء، ادامه تحصیل، اعتقاد به داشتن زندگی آزاد، احتیاط بیش از حد در انتخاب همسر، مشکل همسریابی برای دختران، فراهم بودن زمینه ارضاء نامشروع میل جنسی، درک نامناسب خانواده ها از خواسته ها و نیازهای جوانان، دخالت زیاد خانواده ها در گزینش همسر مناسب، تأمین جهیزیه و سنت های غیر منطقی، مهم ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی بوده اند (معصومه محمدی سیف و محمد عارف، ۷۵-۸۶). شوئن و چونک (۲۰۰۶) معتقدند که انصراف از ازدواج با عواملی چون افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان، تفاوت های جنسیتی کمتر در دریافت حقوق، نابرابری بیشتر در بین مردان و نابرابری اقتصادی میان گروه های نژادی مرتبط است (strong, ۲۰۰۸, ۳۲۲). هیوول (۱۹۹۴) پژوهشی تحت عنوان بررسی علل افزایش سن ازدواج انجام داد، وی در مورد علل افزایش سن ازدواج چنین اظهار می کند، عوامل متعددی بر زمان ازدواج موثر هستند، یکی از مهمترین عوامل مؤثر، تحصیلات عالی زنان است، که با تأخیر ازدواج همبستگی نشان می دهد، دومین عامل اشتغال زنان می باشد، از عوامل دیگر، دشواری دسترسی به زوج مناسب است که در اثر پدیده های به نام عدم تعادل جنسی در هنگام ازدواج ناشی می شود و عامل دیگر، میزان آزادی در انتخاب همسر می باشد. ازدواج های ترتیب داده شده نسبت به ازدواج های آزاد در سنین پایین تری اتفاق می افتد، در ممالک غربی، تقریباً افراد آزادی کاملی در انتخاب شریک زندگیشان دارند، در کشورهای در حال توسعه، ازدواج های ترتیب داده شده در سیستم های خانواده هسته ای احتمالاً کمتر از سیستم های خانواده گسترده است، این چنین ازدواج ها (ترتیب داده شده) مسئولیت بزرگی برای خانواده محسوب می شود و توسط والدین، خویشان و یا یادیه ها صورت می گیرد (هیوول، ۱۳۹۴: ۷۸). در یک پژوهش طولی توسط استرنج که در سال ۱۹۷۵ میان گروهی از زنان روستایی کشور مالی انجام گردید، الگوهای ازدواج در میان آنها و نگرش افراد نسبت به ازدواج آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نهایی این بررسی نشان داد به طور کلی ده سالی که از اجرای این پژوهش می گذشت، میانگین سن ازدواج دختران از ۱۷ سال به ۱۸ سال افزایش یافته بود. این بررسی همچنین نشان داد که دستیابی به سطح بالاتر سبب تأخیر در افراد مور بررسی گردیده و میانگین دخترانی که تحصیلات متوسطه را به پایان رسانده بودند به ۲۲ سال افزایش یافته بود (strange, ۱۹۷۵).

مبانی نظری

نظریه نوسازی

نظریه نوسازی یکی از رایج ترین و پر کاربردترین تبیین های ساختاری تغییرات ازدواج و خانواده است. این نظریه که بر اساس ترکیب مدل های مفهومی دو نظریه ی جامعه شناختی، یعنی نظریه ی تکاملی قرن نوزدهم و نظریه ی کارکردگرایی ساختاری قرن بیستم بسط یافته است پایه ی نظری بسیاری از پژوهش ها در زمینه ی تغییر و تحوّل ها در نظام خانواده و به ویژه سن ازدواج را تشکیل می دهد. با مطرح نمودن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده به گستره تأثیرات فرایند نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می کند و معتقد است این فرایند در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، ازدواج و الگوهای آن را تحت تأثیر قرار می دهد. به بیان دیگر گود معتقد است که نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی به تأثیر گذاری بر زمان ازدواج منجر می شود. وی معتقد است افرادی که در مناطق شهری زندگی می کنند به دلیل شیوه های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف تر نسبت به مناطق روستایی ازدواجشان با تأخیر صورت می گیرد. در میان مهم ترین ویژگی های نوسازی می توان به گسترش فرصت های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی اشاره کرد. (گود ۱۹۶۳). در جریان نوسازی و جهانی شدن به واسطه تغییراتی مانند شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، گسترش تکنولوژی، اشتغال زنان و تنوع پذیری نهادهای اجتماعی، بسیاری از کارکرد های قدیمی خانواده به سازمان ها و نهاد های دیگر واگذار می شود و این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی

را جایگزین شبکه خویشاوندی می کند (قانعی راد و عزلتی مقدم، ۶۷-۱۶۷: ۱۳۸۹). در نتیجه خانواده محوری به فرد محوری تبدیل می شود. فرآیند نوسازی با ترجیح خانواده هسته ای، فرد محوری در مقابل خانواده محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج های با انتخاب آزاد در سنین بالاتر را تشویق می کند (محمودیان، ۱۳۸۹: ۳۴-۲۹). همچنین فرآیند نوسازی با تغییر نگرش ها و ایده های افراد جامعه همراه است به طوری که در دنیای مدرن امروزی افراد به نگرش هایی به خصوص در زمینه انتخاب همسر دست یافته اند که دایره انتخاب همسر را محدودتر می کند. بنابراین، با تغییر در نگرش های حاصل از نوسازی، سن شروع به زناشویی افراد بالاتر رفته و افراد در سنین بالاتری همسر انتخاب می کنند (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۸۲).

نظریه نظام اجتماعی

در نظریه نظام اجتماعی در چار چوب فونکسیونالیسم ساختی مشکلات ازدواج را می توان با توجه به عدم تعادل بین دو خرده نظام اقتصادی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد. بر اساس این دیدگاه بالا رفتن سن ازدواج تابع عدم تعادل و هماهنگی بین عناصر درون خرده نظام اقتصادی است که شامل عدم توازن و تعادل بین بلوغ اقتصادی از یک سو و بلوغ جنسی از طرف دیگر و نیز عدم هماهنگی میان خرده نظام اقتصادی از یک طرف و خرده نظام فرهنگی از طرف دیگر است که باعث می شود میان بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی و اجتماعی جوانان تعادل و هماهنگی وجود نداشته باشد (Ackerman, 1927).

دیدگاه مرتن

مرتن از ازدواج و عدم تعادل ساختی در جامعه نیز با تأکید بر تعادل ناشی از: پذیرفتن اهداف و وسایل نهادی شده در جامعه، سعی در تبیین نظام هماهنگ اجتماعی دارد. مرتن یک نظام اجتماعی را توصیف می کند که از یکپارچگی ضعیفی برخوردار است؛ نظامی که بواسطه تأکید بیش از حد بر اهداف اجتماعی موفقیت مانند ازدواج و عدم تأکید لازم بر وسایل نیل به آن اهداف که در اینجا همان موانع اجتماعی اقتصادی فرهنگی می باشد، دستخوش یک نوع سوء یکپارچگی می شود. در چنین وضعیتی مردم برای حصول به موفقیت به شیوه های ناهنجار روی می آورند. حاصل فونکسیون این وضعیت، زوال بیشتر مقررات اجتماعی است. این امر موجب عدم تعادل ساختی در جامعه می شود و در نتیجه مقررات اجتماعی بیش از پیش بی اهمیت می گردد. حالت افراطی این وضعیت، بطور منطقی موجب بی قانونی، عدم یکپارچگی و رهایی کامل فردیت خواهد بود (اسکیدمور، ۱۶۱، ۱۳۷۲). وقتی که در جامعه ای مثل ایران که امر ازدواج به عنوان یک هدف والا در نظر گرفته می شود از طرفی وسایل نیل به این اهداف در دسترس نباشد در این صورت جامعه کارکرد تعادلی خود را از دست می دهد. برای جامعه ای با کارکرد متعادل مرتون هدف و وسیله باید در عرض هم قرار بگیرد.

دیدگاه دورکیم

دورکیم با مبنا قرار دادن تغییرات اجتماعی، نهایتاً به این نتیجه می رسد که تخصصی شدن و تمایزات فردی موجب ایجاد وضعیتی می شود که در حالت نابسامانی (سردرگمی افراد در تشخیص ارزش ها) نیازهای افراد تشدید می شود (مهدوی، ۷۶، ۱۳۷). در دنیای امروز، تغییرات اجتماعی زیاد، موجب تراکم اخلاقی و ارزش ها و هنجارهای گوناگون در جامعه شده است (روشه، ۴۳، ۱۳۶۶): افزایش جمعیت و گسترش تقسیم کار اجتماعی و بوجود آمدن مشاغل متنوع، موجب ارتباطات هر چند تنوع ارزشها و هنجارها در جوامع مختلف، از دیرباز وجود داشته، اما آنچه که ویژگی جامعه ی جدید است، وجود این تنوع در یک جامعه ای واحد می باشد. به گفته دورکیم جامعه قدیم که مبتنی بر «هماندی» بوده، جای خود را به جامعه جدید که درای خصیصه ی «تمایزپذیری اجتماعی» است، می دهد. در جامعه ی جدید در مقایسه با جامعه ی قدیم، افراد با یکدیگر متفاوت هستند و هر قشر و گروه درای ارزشها، هنجارها، الگوهای رفتار و رسوم اجتماعی خاص خود می باشد. از سوی دیگر یکی از مباحث بسیار مهم در مقوله ی تغییرات اجتماعی بحث مدرنیسم است که به عنوان یک پدیده ی درای اثرات غیرقابل انکاری بر رخساره های زندگی اجتماعی انسان از جمله خانواده و ازدواج می باشد. در جامعه های در معرض مدرنیسم، همه چیز در حال تحول است. به دلیل وابستگی بخشهای مختلف جامعه به یکدیگر، شروع تحول در یک بخش سریعاً بخشهای دیگر را متأثر می نماید. در کشور ما نیز مدرنیسم از حدود نیم قرن پیش بخشهایی

از جامعه را متحول کرده است. این تغییرات و تحولات موجب تحول در خانواده و ازدواج و همسرگزینی نیز شده است. با تغییرات اجتماعی، تغییراتی در فرهنگ، زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد به وجود آورده است. هرچند که برخی از این تغییرات منفی را برای افراد به همراه دارد اما از طرفی موانعی را بر سر راه آنها در جامعه قرار می دهد. حال این تغییرات در بعد فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی هم منافع و هم موانعی را برای جوانان مخصوصاً برای هنجار ازدواج به همراه دارد. منافع از این جهت که امکان آشنایی جوانان و فرصت های انتخاب همسر برای آنها و امثال این برای جوانان افزایش یافته و موانع از این جهت که سطح و سبک زندگی افراد دستخوش تحولاتی در زمینه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده و سطح توقعات و انتظارات جوانان و خانواده هارا افزایش داده و این نگرانی هایی برای تأخیر در ازدواج فراهم آورده است. (جعفری مؤده، ۸۵: ۱۳۸۲).

دیدگاه گیدنز

در دیدگاه گیدنز، صنعت گرایی، سرمایه داری و تسلط ارزش های سرمایه مدرانه، تقویت نهادهای نظارت اجتماعی، قدرت سازماندهی و پویایی نهادهای عصر تجدد و جهانی شدن از جمله ویژگی های دوران مدرنیته شناخته می شوند. همچنین، در اندیشه این نظریه پرداز اجتماعی، علل پویایی و تحرک خارق العاده عصر تجدد با سه عامل شناخته شده اند؛ جدایی زمان و فضا که بسیاری از پدیده های محلی را به وقایعی جهانی تبدیل کرده است، ساختارهای تکه برداری شده (نشانه های نمادین و نظامهای کارشناسی)، بازتابندگی نهادین یا حساسیت فوق العاده سازمان های جامعه مدرن برای پذیرش تغییراتی که براساس مشاهدات به سرعت در خانواده منعکس می شوند. اگر سایر ویژگیهای مدرنیسم مانند خردگرایی، فردگرایی، افسون زدایی، پوچ گرایی و دگرگونی را نیز در نظر بگیریم، در هر کدام از آنها نیز میتوانیم این تحولات را شرح دهیم. اما، مدرنیته و ابعاد مختلف آن، بدون واسطه های تغیر از جمله شهرنشینی، کاهش نفوذ نظام خویشاوندی، تحرک جغرافیایی، تکنولوژی و تکنولوژی اطلاعات، اشتغال زنان، جنبش حقوق زنان و تنوع پذیری نهادهای اجتماعی نمی توانستند در خانواده مؤثر باشند. به بیان دیگر، تغییری که در جامعه مدرن اتفاق افتاده، باعث شده است برخی از ویژگیهای ازدواج در جامعه سنتی، مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواجهای فامیلی، چند زنی، قابلیت فرزندآوری، پاینبودن سن ازدواج، فاصله سنی زن و مرد، پدیده ازدواج مجدد و غیره، تغییر کند. با وجود آمدن مدرنیته برای جوانان فرصت های بسیاری فراهم گردیده تا بتوانند شایستگی ها و خواسته های خود را به دلخواه پیش گیرند از طرفی حاصل این مدرنیته موانع بیشماری را برای زندگی افراد بخصوص خانواده هایی که همچنان خواهان حفظ سنت ها می باشند و نگاهی منفی به امر مدرنیته دارند ایجاد کرده است. این فرصت ها و موانع در مسئله ی مهمی مانند ازدواج بیش تر جلوه گری می کند چرا که جوانانی که در دنیای مدرنیته فرصت های عالی کسب کرده اند حاضر به زیر بار رفتن امری مانند ازدواج که از نظر آنها ریشه در سنت ها دارد، نیستند و ازدواج را مانع پیشرفت و ترقی می دانند. دنیای مدرنیته با همه فرصت هایی که برای جوانان ایجاد کرده موانعی را پیش روی آنها قرار داده است.

روش شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف یک مطالعه کاربردی و از نظر زمان مطالعه مقطعی و از نظر گردآوری داده ها یک بررسی پیمایشی - توصیفی (غیرآزمایشی) محسوب می شود و از دسته تحقیقات همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر تمام جوانان مستعد امر ازدواج در شهر اردبیل می باشد. حجم نمونه آماری به تعداد ۳۸۴ نفر از این جوانان با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده است. تجزیه و تحلیل داده های پژوهش حاضر در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفته است. ابزار مورد استفاده برای جمع آوری داده ها در این تحقیق پرسشنامه می باشد.

تجزیه و تحلیل فرضیه ها، نتیجه گیری و ارائه راهکار

فرضیه اول: به نظر می رسد بین موانع و مشکلات اجتماعی و ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول (۱): ارتباط موانع اجتماعی و افزایش سن ازدواج

		گرایش به ازدواج	موانع اجتماعی
گرایش به ازدواج	Pearson Correlation	1	104*
	Sig. (2-tailed)		042.
	N	384	384
موانع اجتماعی	Pearson Correlation	104*	1
	Sig. (2-tailed)	042.	
	N	384	384

با توجه به فرضیه اول که ادعا می کرد بین موانع و مشکلات اجتماعی و سن ازدواج جوانان رابطه وجود دارد، و نتایج آزمون تحلیل همبستگی بین موانع اجتماعی و تأخیر سن ازدواج نشان می دهد بین موانع اجتماعی با تأخیر سن ازدواج سطح معنی داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($P < ۰/۰۵$) و جهت رابطه مثبت می باشد (۰/۰۴)، این نشان می دهد فرض H_0 برای این متغیرها رد شده و H_1 پذیرفته می شود. مقادیر همبستگی بین موانع اجتماعی در سطح ۹۵٪ معنی دار است بنابراین می توان بیان کرد بین موانع اجتماعی و نگرش به ازدواج رابطه معنی داری وجود دارد. این رابطه نشان می دهد که موانع اجتماعی در نگرش جوانان به ازدواج و در نتیجه، افزایش سن ازدواج جوانان مؤثر می باشد. بدین معنی که با افزایش موانع اجتماعی سن ازدواج جوانان نیز افزایش می یابد. و با توجه به مؤلفه های موانع اجتماعی (شیوع بی اعتماد در بین جوانان، عدم وجود آمادگی و تجربه در میان جوانان، عدم مهارت ارتباطی و آشنایی بین در جوانان، نبود آموزش و نا آگاهی جوانان از ازدواج، گریز از مسئولیت، آزادی روابط دختر و پسر در جامعه، روابط قبل از ازدواج دختر و پسر، نرسیدن جوانان به بلوغ های چندگانه جنسی، فکری، روانی، اجتماعی، گسترش فساد و انحرافات جنسی و روابط نامشروع، پیدایش یأس و ناامیدی در جامعه، ترس از شکست، گذراندن بیشتر اوقات با دوستان، تأکید بر استقلال در بین جوانان) نتیجه می گیریم با افزایش هر یک از این موانع سن جوانان برای ازدواج افزایش می یابد.

راهکارهای اجتماعی برای پیشگیری از موانع اجتماعی

از آنجا که اجتماع و جامعه، مجموعه ای متشکل از واحدهای کوچک تر خانواده است، بهترین جایگاه کمک به ایجاد خانواده و فراهم ساختن ازدواج جوانان، خود جامعه است. از این رو برای حل مشکل ازدواج جوانان و جلوگیری از تأخیر در امر ازدواج، چاره ای جز همکاری و همیاری همه افراد و آحاد جامعه، وجود ندارد. راهبردهای اجتماعی که می توان در این زمینه ارائه داد، از قرار زیر است: (۱) فراهم کردن شرایط ازدواج آسان (۲) گسترش مراکز مشاوره ازدواج (۳) کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها (۴) جلوگیری از بی بند وباری و ابتدال و فساد اخلاقی.

فرضیه دوم: به نظر می رسد بین موانع و مشکلات فرهنگی و ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول (۲): ارتباط موانع فرهنگی و افزایش سن ازدواج

		موانع فرهنگی	گرایش به ازدواج
موانع فرهنگی	Pearson Correlation	1	847.
	Sig. (2-tailed)		036.
	N	384	384
گرایش به ازدواج	Pearson Correlation	847.	1
	Sig. (2-tailed)	036.	
	N	384	384

با توجه به فرضیه دوم که ادعا می کرد، بین موانع و مشکلات فرهنگی و افزایش ازدواج جوانان رابطه وجود دارد، نتایج آزمون تحلیل همبستگی بین موانع فرهنگی و تأخیر سن ازدواج نشان می دهد بین موانع فرهنگی با افزایش سن ازدواج سطح معنی داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($P < ۰/۰۵$)، و جهت رابطه مثبت می باشد (۰/۰۳)، این نشان می دهد فرض H_0 برای این متغیرها رد شده و H_1 پذیرفته می شود. مقادیر همبستگی بین موانع فرهنگی در سطح ۹۵٪ معنی دار است بنابراین می توان بیان کرد بین موانع فرهنگی و نگرش به ازدواج رابطه معنی داری وجود دارد. به این معنی که موانع فرهنگی در تأخیر سن جوانان تأثیر دارد. با افزایش موانع

فرهنگی نگرش جوانان به امر ازدواج با تأمل انجام می شود و این باعث می شود سن ازدواج جوانان نیز افزایش می یابد و با توجه به مؤلفه های موانع فرهنگی، رواج فرهنگ ها، باورها و اعتقادات غلط در بین خانواده ها، تبلیغات صدا و سیما بعضاً مخالف روش ازدواج است. مثلاً نمایش رابطه عاشقانه قبل از ازدواج، اشتغال به تحصیل، مخالفت والدین با امر ازدواج، ازدواج ناموفق والدین یا یکی از اعضای خانواده، توقعات بیجا از همسر آینده، ازدواج نکردن خواهر و برادر بزرگتر، مشکل پسندی جوانان، عدم همراهی پدر و مادر، تغییر دید خانواده ها در ازدواج جوانان که سعی در امتیازگیری از طرف مقابل دارند، نتایج به دست آمده نشان می دهد با افزایش هر کدام از این موانع سن ازدواج جوانان افزایش می یابد.

راهکارهای فرهنگی برای پیشگیری از موانع فرهنگی

تغییر نگرش ها و شناخت های افراد، کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می کند، و هر تغییری بدون داشتن زیرساخت های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت. وظیفه مهم که از کارهای عمده در این حوزه است، بر عهده متصدیان امور فرهنگی مثل حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات، هنر و مانند آن است که باید در این راستا برنامه ریزی جدی داشته باشند. کارهایی که می توان در راستای این هدف انجام داد، از قرار زیر است: (۱) ارزش دانستن تأهل، (۲) درجه بندی ملاک های انتخاب همسر، (۳) گسترش فرهنگ حجاب، (۴) گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی، (۵) ازدواج در خلال تحصیل، (۶) ترویج الگوهای فرهنگی ازدواج در سن پایین در جامعه تا جوانان بتوانند تا پایان تحصیل با والدین خود زندگی کنند.

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین موانع و مشکلات اقتصادی و ازدواج جوانان رابطه وجود دارد.

جدول (۳): ارتباط موانع اقتصادی و افزایش سن ازدواج

		گرایش به ازدواج	موانع اقتصادی
گرایش به ازدواج	Pearson Correlation	1	106*
	Sig. (2-tailed)		038.
	N	384	384
موانع اقتصادی	Pearson Correlation	106*	1
	Sig. (2-tailed)	038.	
	N	384	384

با توجه به فرضیه سوم که مدعی بود بین موانع و مشکلات اقتصادی و افزایش سن ازدواج جوانان رابطه وجود دارد، نتایج آزمون تحلیل همبستگی بین موانع اقتصادی و تأخیر سن ازدواج نشان می دهد بین موانع اقتصادی با تأخیر سن ازدواج سطح معنی داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ می باشد ($P < 0/05$) و چون جهت رابطه نیز مثبت می باشد (۰/۰۳)، این نشان می دهد فرض H_0 برای این متغیرها رد شده و H_1 پذیرفته می شود. مقادیر همبستگی بین موانع اقتصادی در سطح ۰/۹۵ معنی دار است بنابراین می توان بیان کرد بین موانع اقتصادی و نگرش به ازدواج رابطه معنی داری وجود دارد. بدین معنی که با افزایش موانع اقتصادی سن ازدواج جوانان نیز افزایش می یابد. از مؤلفه های عوامل اقتصادی در این تحقیق به بیکاری جوانان، تهیه مسکن، عدم استقلال مالی جوانان، تأمین هزینه، وجود هزینه های سنگین ازدواج، وجود مهریه های سنگین می باشد و نتایج نشان می دهد با افزایش هر کدام از این موانع، سن ازدواج جوانان نیز افزایش می یابد.

راهکارهای اقتصادی برای پیشگیری از موانع اقتصادی

همان طور که گفتیم عوامل اقتصادی از عمده ترین دلایلی است که جوانان برای موانع ازدواج خود مطرح می کنند. برای این که این عامل مهم را کاهش دهیم باید در دو جهت برنامه ریزی کنیم: ۱- هزینه ها را حتی الامکان کاهش بدهیم. ۲- منابع اقتصادی و تولید ثروت را برای جوانان فراهم کنیم. بنابراین راهبردهای زیر می تواند ما را در عملی ساختن دو هدف فوق یاری دهد: (۱) کاستن از هزینه های اضافی (۲) همیاری در هزینه های ازدواج (۳) پرداخت وام های قرض الحسنه برای ازدواج (۴) ایجاد شغل های پاره وقت در دوران تحصیل و مانند آن، (۵) تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین (۶) ایجاد اشتغال پاره وقت دوران تحصیل بخصوص

برای پسران و درآمد زایی آنان برای به عهده گرفتن مخارج زندگی است (۷) قائل شدن امتیاز ویژه برای استخدام جوانان ازدواج کرده (۸) ارائه ی وام های مناسب برای ازدواج جوانان.

نتایج تحقیقات حاضر با پیشینه های پژوهشی موسی طیبی نیا (۱۳۸۶)، هیوول (۱۳۹۴)، معصومه محمدی سیف و محمد عارف (۱۳۹۵) همسو می باشد. با توجه به فرضیات و نیز نتایجی که از این فرضیه ها حاصل شد، برخی از پیشنهاد های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دیگر که قابل ذکر است ارائه می گردد: بخشی از راهکارهای پیشنهادی برای تسهیل کننده مسیر ازدواج از سوی شهردار ی ها قابل اجراست و برخی دیگر نیازمند برنامه ریزی آموزشی در مدارس است. اما بخش مهمی از راه حل در دستان خود ما به عنوان خانواده های ایرانی است که مستلزم تغییر آگاهانه در برخی از وجوه سبک زندگی و بازنگری در نگرش ها و انتظاراتمان خواهد بود. پیشنهاد می گردد با توجه به اینکه افراد ساکن در هر محله شهری حدوداً متعلق به یک طبقه اقتصادی هستند و از این جهت این تناسب وجود دارد، چنان چه از نظر فرهنگی نیز مشابهتی وجود داشته باشد با ایجاد باشگاهی خانوادگی که خانواده ها بتوانند با یکدیگر ملاقات داشته باشند و از این طریق فرصت آشنایی والدین میسر گردد زمینه ازدواج با توجه به حضور مشاورین با صلاحیت بتواند زمینه ساز باشد. اولین مانعی که توسط برنامه ریزی شهری قابل رفع است، موانع مربوط به آشنایی خانواده ها و شناخت اولیه آن ها از یکدیگر است. شهرداری ها می توانند با اختصاص فضاهایی برای هم نشینی و معاشرت خانواده های هر محله ارائه نمایند تا از این طریق در خصوص رفع نگرانی مربوط به برگزاری مراسم ازدواج نیز موثر باشند. بخش عمده ای از توجه بیش از اندازه به مادیات ازدواج و کم میلی برخی به زندگی مشترک، ناشی از ناشناخته ماندن ارزش ها و کارکردهای حقیقی خانواده سالم است. چنانچه تصویر صحیحی از اصول زندگی مشترک برای جوانان و خانواده ها حاصل شود، درک ارزشهای حقیقی ازدواج باعث خواهد شد تا به مرور زمینه رفع موانع ازدواج نیز در جامعه ما فراهم گردد. به همین دلیل دوره های آموزشی برای شناساندن جایگاه زن و مرد، ساختار خانواده متعادل، وظایف متقابل و چگونگی رشد و بالندگی خانواده مورد نیاز جامعه جوان ماست. این دوره ها می توانند در سنین پس از بلوغ قابل ثبت نام باشند و گذراندن آن ها به شکل مناسبی برای جوانان آماده ازدواج الزام گردد. با توجه به نقش گسترده ای که تلویزیون در شکل دادن به تصاویر ذهنی نسل حاضر از جنس مخالف و جایگاه های زن و شوهر و رفتارهای آنان در شرایط مختلف، تردیدی نیست که محتوای نمایشی (فیلم ها و سریال ها) باید از این منظر تحت نظارت قرار گیرد. یک گام قابل پیشنهاد در این راستا تشکیل شورای خانواده در صدا و سیماست، که بخشی از آن را مشاورین مذهبی آگاه به مسائل خانواده و روان شناسان خانواده تشکیل خواهند داد. از جمله عملکردهای این شورا تدوین استانداردهایی است که فیلم نامه ها بایستی در ترسیم گفتارها و رفتارهای درون خانواده به آن پایبند بمانند. از دیگر عملکردهای این شورا ارزیابی صحنه های نمایشی پیش از پخش و تدارک زیرنویسی برای آگاه کردن بیننده از میزان تطابق آن چه مشاهده می کند با واقعیات و رفتارهای مطلوب است. به عنوان مثال در مواردی که کلام بد توسط زنان نمایش داده می شود، زیرنویسی به بیننده هشدار می دهد که آن چه مشاهده می کنید یک رفتار مخرب است. چنین رفتاری منجر به آسیب دیدن روابط در خانواده می شود. ساخت و نمایش فیلم و سریال با هدف ارائه تصویر صحیح از خانواده و زندگی مشترک، که بیش از هر نهادی، رسانه ملی قادر به انجام آن است. در عصر ما رسانه بخش عمده ای از تجربه بصری افراد را تشکیل می دهد و رفتارها و واکنش های ناخود آگاه بسیاری از افراد بر اساس آن چه در موارد مشابه دیده اند شکل می گیرد. به همین دلیل رسانه یک ابزار بسیار توانمند برای آموزش غیرمستقیم است. به خصوص به نظر می رسد ترسیم و الگوسازی برای برخی از وجوه زندگی مشترک در فیلم نامه های مذکور مورد نیاز جامعه ماست: الف) بروز احساس خوشبختی بین زن و شوهر جوان بر مبنای تلاش و همدلی، بدون وابستگی به امکانات رفاهی اولیه. ب) نمایش عظمت پنهان نقش مادری و همسری در زن و احترام و تکریم جایگاه او در منزل توسط همسر و فرزندان. ج) نمایش زیبایی الگوهای مادری کردن، لطافت و نوازش، فداکاری و از خود گذشتگی. د) عینی سازی سرمایه های معنوی زن و شوهر جوان و ارزش آن ها به عنوان جان مایه اصلی زندگی مشترک در مقایسه با سرمایه های مالی (رفتارهای صحیح گفتاری و کلامی و ابراز توجه و علاقه به یکدیگر در زندگی

مشترک. در پایان توجه به نتایج دیگر پژوهش‌ها در حیطه غلبه بر موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان پیشنهاد می‌شود.

منابع

۱. آتش پور، حمید. (۱۳۸۱). تأثیر آموزش گروهی به شیوه شناختی - رفتاری بر روابط زناشویی. نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲. آستین فشان، پروانه، ۱۳۸۰، بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی موثر بر آن طی سالهای ۱۳۵۵-۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده: علوم اجتماعی، جمعیت‌شناسی
۳. آندره، م. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج. ترجمه: ف. اردلان. تهران: دانشکده علوم اجتماعی
۴. مجلسی، فاطمه، (۱۳۸۷). بررسی رابطه سطح تحصیلات عالی بر سن ازدواج دختران. دانشگاه آزاد اسلامی.
۵. احمدی، حسن و جمهری، فرهاد، ۱۳۸۰، روانشناسی رشد ۲، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری. تهران: پردیس.
۶. احمدی، ع. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر ازدواج زود هنگام بر ترک تحصیل زنان نوجوان در ایران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۷. ادیب راد، نسترن. (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ج ۴، شماره ۱۳.
۸. اسکندری چراتی، آذر، ۱۳۷۸، بررسی عوامل موثر بر تاخیر سن ازدواج در ایران، نمونه مورد مطالعه استان گلستان، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال چهارم، شماره سوم، صص، ۲۵-۱
۹. اسکیدمور، ریچارد، ۱۳۷۲، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران، نشر سفید.
۱۰. به‌پژوه، احمد: آسیب‌شناسی ازدواج و خانواده در "جوان و تشکیل خانواده (چاپ نهم)، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، تهران ۱۳۸۰.
۱۱. جعفری مژدهی، افشین، ۱۳۸۲، عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران، پژوهش زنان، شماره ۵، دوره بهار ۱۳۸۲، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران
۱۲. روشه، گی، ۱۳۶۶، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۱۳. ریتزر، جرج (۱۳۸۰)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، مترجم: طلعت الهیاری، تهران، دانه.
۱۴. -ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش
۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان
۱۶. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰)، مطالعات ملی الویت بندی موانع ازدواج، گزارش منتشر شده
۱۷. سامانی، سیامک و فولاد چنگ، محبوبه، ۱۳۸۵، روانشناسی نوجوانی. شیراز: انتشارات ملوک سلیمان
۱۸. ساویز، احمد، "دشواری ازدواج به کدام دلیل؟ موانع نگرشی ما در گسترش ازدواج آسان" اقتصاد آنلاین، خرداد ۱۳۹۳.
۱۹. سگالن، مارتین، ۱۳۷۰، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
۲۰. سماوی، سید عبدالوهاب، ۱۳۸۰، بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم اجتماعی سال سوم راهنمایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
۲۱. شوازی عباسی، محمد جلال، رشوند، مرجان، سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوازدهم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۵۹-۹۶، ۱۳۵-۹۶
۲۲. صادقی، رسول و همکاران، (۱۳۸۶)، واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه حل، پژوهش زنان، ش ۱، صص: ۸۳-۱۰۸.
۲۳. طیبی‌نیا، موسی، میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال پنجم، شماره شانزدهم، زمستان ۹۳، صفحات ۶۳-۸۶.
۲۴. عارف، م. محمدی سیف، م. "آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی (شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی)". مهندسی فرهنگی، زمستان ۱۳۹۴، سال دهم - شماره ۸۶، صص، ۷۴-۸۹.

توسعه راهکارهای جامعه شناختی رفع موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان / ۲۴۷

۲۵. عبداللهی، رضا، ۱۳۶۶، نظام اسلامی و مسایل و مشکلات نسل نو، روزنامه اطلاعات، ۱۰ آذر ۱۰، ص ۱۰۶-۱۲۶۶، علامه طباطبایی، ۱۳۶۴، ازدواج دائم و ازدواج موقت از نظر اسلامی، گردآورنده حسن موجودی، انتشارات موجودی.
۲۶. فتحی آشتیانی، علی، احمدی، خدابخش، (۱۳۷۸)، بررسی عوامل محدود کننده و موانع موجود در ازدواج دانشجویان، مجله روانشناسی، سال سوم، شماره ۲، صص: ۹۴-۱۶۱.
۲۷. فرجاد، محمدحسین، ۱۳۷۲، بررسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۸. قانعی رادم، عزلتی مقدم، ف (۱۳۸۹)، "بررسی انتقادی تشخیص ها و سیاست گذاری ها در مسائل خانواده و ازدواج" مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱.
۲۹. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸)، سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامد های آن، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ش ۲، صص: ۹۴-۱۶۱.
۳۰. کاظمی پور، شهلا، ۱۳۸۳، تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، شماره ۱۰، صص ۱۰۳-۱۲۴.
۳۱. کامیل، احمدی، (۱۳۹۴) سنت پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، نشر شیرازه.
۳۲. کانون مشاوره خانواده دانشگاه صنعتی اصفهان "مجموعه مقالات همایش ازدواج دانشجویی، راهکارها و چالش ها". اصفهان: مرسل، ۱۷۱-۱۴۳.
۳۳. کرباسی منیژه، وکیلان، "منوچهر مسائل نوجوانان و جوانان در ایران"، انتشارات پیام نور.
۳۴. کنعانی، محمد امین، ۱۳۸۵، پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه مورد مطالعه ترکمن ها، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۰۴-۱۲۶.
۳۵. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، (۱۳۷۰)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، توتیا، تهران.
۳۶. گود، و (۱۳۸۲). خانواده و جامعه. ترجمه: و، ناصحی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۷. گولد، جولیس و ویلیام ل، کوکب، ۱۳۷۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه محمد جواد زاهدی مازندرانی و دیگران. تهران: انتشارات مازیار.
۳۸. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، چشماندازهای جهانی، ترجمه محمدرضا جلائی پور، تهران، انتشارات طرح نو.
۳۹. لوکاس، دیوید و پاولمیر، ۱۳۸۱، درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۰. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، تهران، زهد، ۱۳۷۹، ص ۱۱۷-۱۲۳.
۴۱. مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۷۵، ۱۳۶۵، ۱۳۵۵، ۱۳۴۵، ۱۳۳۵.
۴۲. مطلق، محمد (۱۳۸۴). نگاهی به پدیده ازدواج جوانان، روزنامه همشهری، ۲۹ مرداد.
۴۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴). نظام حقوق زن در اسلام. تهران، انتشارات صدرا.
۴۴. معبودیان، بهروز، (۱۳۸۶)، آسیب شناسی ازدواج اجباری، تهران.
۴۵. مقدادی، م.م، جوادپور، مریم (۱۳۹۶)، تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازو کارهای مقابله با آن، فصلنامه حقوق پزشکی، سال یازدهم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۶.
۴۶. مقدس جعفری، محمد حسن، یعقوبی چوبری، علی، (۱۳۸۵)، تغییرات، ویژگی ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، شماره ۲، صص: ۸۹-۱۱۰.
۴۷. مهدوی، محمد صادق (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۴۸. میشل، آندره (۱۳۷۸)، "جامعه شناسی خانواده و ازدواج" ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشگاه تهران.
۴۹. نیک منش، زهرا، کاظمی، یحیی، "علل و راه حل های تأخیر در ازدواج جوانان"، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان بلوچستان سال سوم، اسفند ۱۳۸۵.
۵۰. هیول، م.م، (۱۳۸۸) بررسی علل افزایش سن ازدواج. ویژه نامه علمی استانداری مازندران، سایت ها و نهاد های اداری.

1. Ackerman, N. (1927). Marriage for and Against. New York: Hart Publishing Company.
2. Guerin, M. (1992). Are young adults in a marriage mood? U.S. Catholic, 57(3).
3. maslow, Abraham, h, (1977) the farthes reaches
4. Riesa, s.issa, a. (2003).career planning in Spain: do temporary contracts delay and motherhood.
5. Strange,h.(1975) continuity and change patterns of mate selection and marriage ritual in maly village.journal of marriage and the family,38,561-571.
6. Strong, Bryan (2008) the marriage and family experience.thomson higher education, 10 davide, Belmont, c.a.94002-3098.